



دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

بایدها و نبایدهای توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح

محمد خورشیدی اطهر^۱

۱. پژوهشگر و کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، ایران.

چکیده

صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح مستنبط از اصل ۱۷۲ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری منحصر در جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی کارکنان نیروهای مسلح است. براساس ایجاد پاره‌ای از مصالح در مواردی با دلایل علمی و منطقی، صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح توسعه پیدا کرده است. حاکمیت دو اصل تمرکزگرایی و ضرورت بر مقررات ناظر بر توسعه صلاحیت سازمان مزبور، هماهنگی و قابل جمع بودن آن را با ماهیت تشکیل این نوع دادگاه‌ها لازم می‌آورد. بر مبنای دو اصل ضرورت و تمرکزگرایی نسبت به توسعه صلاحیت دادگاه‌های نظامی، هنجارهای دادرسی عادلانه و منصفانه تضمین می‌گردد تا از این طریق، خدشه‌ای بر ساحت عدالت کیفری وارد نگردد. اصولاً در حوزه قانون‌گذاری نسبت به صلاحیت این سازمان لازم است در همان قانونی که تشکیل آن مرجع پیش‌بینی گردیده، اقدام به توسعه صلاحیت سازمان مزبور شود، به گونه‌ای که جرایم موضوع صلاحیت‌های اضافی محاکم نظامی از ویژگی‌هایی برخوردار باشد که بتواند اصل صلاحیت عام مراجع عمومی دادگستری را به‌عنوان یکی از شاخصه‌های مهم دادرسی عادلانه درنوردد. از این رو مهم‌ترین بایسته در زمینه توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، ناگزیر بودن مقنن در تعیین صلاحیت‌های اضافی برای این سازمان به‌عنوان یگانه ابزار توجه به ضرورت‌های توجیه‌کننده آن به حساب می‌آید. پژوهش تحلیلی حاضر با استفاده از روش مطالعه اسناد و منابع کتابخانه‌ای عهده‌دار تشریح میزان تطابق مصادیق توسعه صلاحیت دادگاه‌های نظامی با دو اصل مذکور است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳-۲۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن:

ایمیل:

khorshidi.athar@hotmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

قانون‌گذاری، توسعه صلاحیت، سازمان قضایی نیروهای مسلح، جرم نظامی، ضرورت.



مقدمه

جایگاه سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظام قضایی ایران به گونه‌ای است که همانند دیگر کشورهای که در آن‌ها نیز دادگاه‌های اختصاصی به منظور رسیدگی به جرایم نظامی نمود پیدا کرده‌اند، از حیث نوع و ماهیت در تفکیک با دادگاه‌های عمومی قرار گرفته و مرجع استثنائی محسوب می‌شود (تدین، ۱۳۹۴: ۴۲؛ عبدالهی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱). تأسیس سازمان قضایی نیروهای مسلح مبتنی بر مصالحی صورت پذیرفته تا به موقوع و مؤثر از حیات نظامی کشور دفاع به عمل آید و در کنار آگاهی‌بخشی به قضات این سازمان در زمینه امور نظامی، شأن و منزلت مقامات نظامی نیز محترم شمرده شود (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۱۶/۳). تحدید یا توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح ناشی از پیش‌فرض‌هایی است که به فراخور افکار و خواسته‌های نظام قانون‌گذاری نمود پیدا می‌کند، به گونه‌ای که دستگاه تقنینی در حین وضع آن قانون، نظرات خود را راجع به دامنه صلاحیت محاکم نظامی اعمال می‌کند (منتسکیو، ۱۳۸۴: ۹۵۱/۲). لازمه قانون‌گذاری در این زمینه همواره باید به نفع همگان باشد و مصلحت عمومی بر خواسته نظام حاکم ترجیح داده شود، به طوری که دانایی و بصیرت معقول در تعیین حدود صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، جان‌نشین سلیقه و احساسات متغیر قانون‌گذار تلقی شود (فاستر، ۱۳۹۴: ۴۷/۱). توسعه بی‌ضابطه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح علاوه بر اینکه موجبات بروز آثار سوء را بر فرآیند دادرسی کیفری فراهم می‌آورد در تباین با اهداف و اصول مسلم و متحقق آیین دادرسی کیفری نیز محسوب می‌گردد. در واقع ناهمگونی توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح با نظام حقوقی حاکم بر کشور از اعتبار اصل این نظام می‌کاهد و به لحاظ سنخیت در مغایرت با شالوده پیکره حقوقی کشور قرار می‌گیرد (بیگزاده، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

از این رو توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح مستلزم لحاظ اصولی می‌گردد که بر مبنای آن، صلاحیت اضافی این سازمان منطبق بر موازین عدالت شکلی مقرر گردد، مضافاً بر اینکه حقوق مسلم اصحاب دعوا در دادرسی نظامی نیز تضمین شود. تعیین صلاحیت اضافی برای سازمان قضایی نیروهای مسلح بدون رعایت اصول و قواعد منجر به تصویب قوانین و مقررات ناعادلانه خواهد شد که از پشتوانه کافی برخوردار نبوده و از اقتدار و صلابت حقوق کیفری می‌کاهد. در

نوشتار حاضر، بررسی رویکرد نظام تقنینی ایران نسبت به تعیین صلاحیت‌های اضافی سازمان قضایی نیروهای مسلح مطمح نظر نگارندگان قرار گرفته است تا میزان تطابق مصادیق توسعه صلاحیت این سازمان با روح حاکم بر قانون اساسی مشخص و نمایان گردد. در واقع چالش مورد نظر نویسندگان بر این مبنا استوار است که آیا توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح با دو اصل تمرکزگرایی و ضرورت زاویه دارد یا خیر؟ افزون بر اینکه راهکارهای رفع این چالش نیز متشکل بعد دیگر این مقاله محسوب می‌گردد. این تحقیق با رویکرد تحلیلی نسبت به مصادیق صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح با تعیین اصول و قواعد ناظر بر وضع قوانین و مقررات توسعه صلاحیت این سازمان باعث می‌شود تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های خرد و کلان راجع به اختیارات این سازمان در حوزه تقنینی تنظیم گردد، ضمن اینکه می‌توان از آن‌ها به عنوان ضابطه و معیاری برای تعیین میزان هماهنگی مصادیق توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح با مبانی تشکیل این سازمان به کار گرفته شود.

با بررسی اجمالی تاریخ معاصر حقوق ایران می‌توان به نمونه‌ای از توسعه بدون ضابطه صلاحیت دادگاه‌های نظامی ناشی از رویدادهای کشور در سال ۱۳۲۱ شمسی دست یافت؛ اعتراضات مکرر مردمان به سیاست‌های حکومت وقت در پی اوضاع نابه‌سامان معیشتی در دهه ۱۳۲۰ که منجر به درگیری با نظامیان، کشتار و دستگیری عده‌ای گردیده بود. در نهایت با اعلام حکومت نظامی تحت کنترل درآمد. مجلس شورای ملی در نقش قانون‌گذاری به جهت حفظ امنیت و پایداری حکومت، آیین‌نامه‌ای را با عنوان «قانون تشکیل و صلاحیت دادگاه نظامی موقت در زمان حکومت نظامی» در مورخ ۱۳ خردادماه ۱۳۲۱ به تصویب رساند. به موجب این آیین‌نامه قانونی، بسیاری از جرایم عمومی در صلاحیت این مرجع اختصاصی قرار گرفته بود. به همین منظور، صلاحیت رسیدگی به جمعی از جرایم ارتكابی از سوی غیرنظامیان که در تقابل مستقیم یا غیرمستقیم با حکومت وقت قرار داشت، به اداره دادرسی ارتش اضافه گردیده بود. به عبارت دیگر، برخلاف آنچه که در ماده ۱ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ با اصلاحات بعدی و نیز ماده ۱۹۱ از قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۲۹۱ مبنی بر صلاحیت دادگاه‌های نظامی بر جرایم منتسب به نظامیان مقرر گشته بود، به تدریج نسبت به

صلاحیت این دادگاه‌ها توسعه داده شد (بهزادی، ۱۳۴۹: ۲۳). اقدامات جدی و فوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت تحدید صلاحیت دادگاه‌های نظامی به وضوح گویای ایرادات توسعه بی‌اساس صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است (آشوری، ۱۳۸۴: ۸۱/۲-۸۰). به موجب قانون اعاده صلاحیت مراجع قضایی دادگستری مصوب ۱۳۵۸، صلاحیت دادگاه‌های نظامی منحصر در جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی شد و حتی جرایم نظامی افسران و درجه‌داران شهربانی و ژاندارمری هم به دادگاه‌های عمومی واگذار گردید و نیز متعاقباً، دادستان ارتش مستند به لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۵۸ از لحاظ اعمال وظایف قضایی خود تحت نظارت دادستان کل کشور قرار گرفت. اما در نهایت اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این تفکیک صلاحیت در رسیدگی به جرایم نظامی میان اعضای نیروهای مسلح کشور پایان داد و بدون اینکه تمایزی میان اعضای نیروهای مسلح قائل شود، محاکم نظامی را فقط صالح به رسیدگی به جرایم خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عنوان کرد.

۱- مفهوم توسعه صلاحیت دادگاه‌های نظامی

دعاوی کیفری براساس قواعد صلاحیت ذاتی، شخصی و محلی بین دادگاه‌ها تقسیم می‌شود (آخوندی، ۱۳۸۹: ۲۷۹). به این امر که فراتر و خارج از صلاحیت ذاتی و اولیه آن مرجع به حساب می‌آید، توسعه صلاحیت گفته می‌شود و صلاحیتی هم که دادگاه در نتیجه آن پیدا می‌کند، صلاحیت اضافی خوانده می‌شود (آشوری، ۱۳۹۵: ۲۲۱؛ هرمزی، ۱۳۹۳: ۵۱). به این ترتیب، عدول مقنن از صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی و الحاق مواردی از آن به صلاحیت استثنائی سازمان قضایی نیروهای مسلح از مصادیق توسعه صلاحیت به حساب می‌آید. به سخن دیگر، تحدید صلاحیت مراجع عمومی قضایی دادگستری در رسیدگی به جرایم عمومی اعضای نیروهای مسلح و حتی غیرنظامیان و بالتبع، اضافه نمودن آن به حوزه اختیارات و شایستگی سازمان قضایی نیروهای مسلح، صلاحیت‌های اضافه‌ای است که قانون‌گذار بنا به پاره‌ای اقتضائات وضع می‌نماید تا از این طریق اهداف پیش‌بینی شده مهم‌تری که در این توسعه یافتگی صلاحیت نهفته است، به خوبی تأمین گردد.

صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی در رسیدگی به جرایم را می‌توان به مثابه یک اصل کلی در دادرسی کیفری به حساب آورد که از رهگذر آن عدالت کیفری به شکل بهتری به منصفه ظهور می‌رسد. این صلاحیت مراجع عمومی که اصولاً رسیدگی به کلیه جرایم به آنان محول گشته، بارها در پرتو قوانین و مقررات مربوط به آیین دادرسی ملحوظ نظر مقنن واقع گردیده است. به عنوان مثال، دادگاه کیفری دو به موجب ماده ۳۰۱ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، صلاحیت عام رسیدگی به تمام جرایم را داراست، مگر اینکه قانون رسیدگی به جرمی را در صلاحیت مرجع دیگری قرار داده باشد (خالقی، ۱۳۹۶: ۵۲/۲). ماده ۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ اصلاحی ۱۳۹۲ نیز هرچند که در رابطه با امور کیفری نسخ شده، ولی صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی را در خصوص رسیدگی به کلیه دعاوی مقرر نموده بود که به عنوان مستند قانونی دیگر به منظور استنتاج اصل صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی نسبت به رسیدگی امور کیفری در برابر دادگاه‌های اختصاصی قابل بیان است. استثنائی بودن صلاحیت مراجع اختصاصی، از جمله دادگاه‌های نظامی به وضوح در ماده ۴ از قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلحیه مصوب ۱۳۲۹ قمری این چنین قید گردیده بود: «محاکم اختصاصی آن است که به هیچ امری حق رسیدگی ندارد، غیر آنچه قانون صراحتاً اجازه داده است، مثل محاکم تجارت و نظامی و غیرها که تشکیلات و ترتیبات آن‌ها به موجب قانون علیحده معین می‌شود»، افزون بر اینکه رسیدگی مراجع قضایی عمومی به جرایم براساس الگوی دادرسی عادلانه و منصفانه در قلمروی حقوق کیفری شکلی به عنوان یکی از شاخص‌ها و جلوه‌های عدالت آیینی^۱ تلقی می‌گردد تا از طریق آن ضمن مراعات حقوق شهروندی، حقوق دفاعی اشخاص در معرض اتهام نیز در راستای اصل برائت مورد تضمین واقع شود (آقای جنت‌مکان، ۱۳۹۶: ۴۳). در واقع فرآیند دادرسی کیفری در اثر برقراری صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی نسبت به رسیدگی امور کیفری از تطابق بیشتری با معیارهای عدل و انصاف برخوردار بوده و میزان ارزش و اعتبار آن را بیشتر می‌نماید، به گونه‌ای که

^۱ - Procedure Justice

حقوقدانان^۱ همواره نظر مساعدی درباره تشکیل دادگاه‌های اختصاصی ندارند و دیدگاه خود را مبنی بر مخالفت با توسعه صلاحیت مراجع قضایی اختصاصی نسبت به رسیدگی به جرایم عمومی عنوان داشته‌اند.

۲- مبانی صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح

تشکیل سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، دادرسی در مورد جرایم نظامی را با مقوله حفظ و صیانت از حیات نظامی کشور همراه ساخته است. این سازمان در راستای حفظ اسرار و محرمانگی اطلاعات نیروهای مسلح در تفکیک با صلاحیت دادگاه‌های عمومی به‌طور استثنائی به جرایم نظامیان رسیدگی می‌کند (عطارنیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۳۸-۲۳۷؛ گلدوست جویباری، ۱۳۹۳: ۱۶۷). افتراقی‌سازی قواعد دادرسی نظامی به اقتضای ماهیت جرایم نظامی با هدف ارتقای سطح کیفی این دادرسی و توجه به امنیت کشور صورت پذیرفته است (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۸۹/۲). مبانی جرم‌شناختی و حقوقی گوناگون حاکم بر جرایم نظامی ایجاد می‌کند تا قواعد خاصی در مغایرت با اصول دادرسی عام به‌نحو جزیره‌ای بر دادرسی نظامی حکم‌فرمایی نماید. وظایف حساس و مهم نیروهای مسلح و لزوم حفظ اسرار نظامی در کنار ضرورت سرعت و قاطعیت در رسیدگی به جرایم نظامیان از سوی قضات آگاه از امور و مقررات خاص نیروهای مسلح دلایل تشکیل سازمان قضایی نیروهای مسلح را به‌عنوان مرجع استثنائی جهت رسیدگی به جرایم نظامی به‌حساب می‌آید (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۳۱/۲؛ رضوی، ۱۳۸۶: ۲۹-۲۸).

باتوجه به تحدید صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در اصل ۱۷۲ از قانون اساسی که جرایم نظامیان را به سه بخش جرایم خاص نظامی یا انتظامی، جرایم عمومی یا مشترک و نیز جرایمی که در راستای ایفای وظیفه ضابط دادگستری مرتکب می‌شوند، تقسیم نموده است، به نظر می‌رسد که منظور از جرم نظامی در این قانون همان تعریف خاص از جرایم نظامی باشد (مدنی، ۱۳۸۰: ۸۶) که بنا به ماهیت آن فقط از ناحیه نظامیان قابل تحقق است (الهام، ۱۳۸۹: ۶۹). افزون بر اینکه شورای نگهبان نیز مطابق این دیدگاه در پاسخ به استعلام شماره

۱/۱۲۸۳۹/م مورخ ۱۳۶۳/۰۶/۲۹ شورای عالی قضایی در مقام تفسیر اصل مزبور نسبت به مفهوم کلی جرایم مربوط به وظائف خاص نظامی و انتظامی طی نامه شماره ۱۷۹۰ مورخ ۱۳۶۳/۰۷/۰۲ اعلان داشته که منظور از آن، تخلفاتی است که مأمور نظامی یا انتظامی در ارتباط با وظایف خاص خود که حدود آن در قانون عادی معین شده، مرتکب می‌شود. همچنین این شورا در نظریه دیگر جرم نظامی را نفس تخلف از وظایف خاص نظامی و انتظامی دانسته و در مقابل، جرایم عمومی نظامیان را که در ارتباط با وظایف آن‌ها ارتکاب می‌یابد، خارج از شمول اصل مزبور عنوان گردیده است (زرعت، ۱۳۸۴: ۴۷؛ مدنی، ۱۳۹۱: ۱۲۴/۴)، لذا جرایم نظامی از منظر شورای نگهبان، جرایمی هستند که غیرنظامیان قادر به ارتکاب آن نباشند، مثل فرار از خدمت و خوابیدن در هنگام نگهبانی. در راستای همین نظریه در لایحه قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، جرم نظامی جرمی تعریف شده بود که یک نظامی در ارتباط با خدمت نظامی مرتکب می‌شود، به‌نحوی که ارتکاب آن از سوی غیرنظامیان ممتنع باشد (خالقی، ۱۳۹۶: ۹۳/۲). بنابراین جرم نظامی در مفهوم مضیق به‌موجب اخلاص هریک از اعضای نیروهای مسلح در ایفای تکالیف محوله صورت می‌پذیرد، به‌طوری که انجام مسؤلیت شغلی یا مأموریت خاص نظامیان دچار لطمه گردد و با ابتناء به مدلول اصل مزبور در قانون اساسی فقط این دسته از جرایم در حیطه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح قرار گرفته است.

۳- اصول حاکم بر توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح

تبعیت قانون‌گذار در حوزه توسعه صلاحیت دادگاه‌های نظامی باعث می‌گردد تا با برقراری یک نظام خاص قانون‌گذاری، ماهیت و فلسفه تشکیل سازمان مزبور همچنان محفوظ بماند و در مقام مقایسه جرایم عمومی نظامیان و جرایم خاص نظامی به فراخور معیارقراردادن اصل صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی کیفری به تخصیص اکثر منتج نگردد. به‌منظور دستیابی به قانون شکلی کارآمد، مؤثر و عادلانه در زمینه توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح ناگزیر بایستی مبانی تشکیل سازمان مزبور را مورد توجه قرار داد و مطابق آن از اصولی پیروی کرد که درنهایت، هیچ‌یک از صلاحیت‌های اضافی این مرجع قضایی مخالف با هنجارهای تشکیل این دادگاه‌های استثنائی قلمداد نشود. دو اصل «تمرکزگرایی» و «ضرورت» به

^۱ دکتر شمس و مرحوم دکتر آخوندی، از جمله این اشخاص هستند که به‌ترتیب در صفحه ۶۶ از جلد اول کتاب آیین دادرسی مدنی و صفحه ۲۷۱ از کتاب آیین دادرسی کیفری به این موضوع پرداخته‌اند.

استوار کرد که تعیین صلاحیت ذاتی سازمان قضایی نیروهای مسلح و توسعه آن باید توسط قانونی صورت پذیرد که اساس تشکیلات این سازمان را مقرر داشته است. بنابراین هر نوع تغییر کمی و کیفی در مقوله صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح بایستی اساساً به موجب اصلاح و الحاق در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی تحقق یابد. تصویب قوانین و مقررات پراکنده راجع به صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌تواند نظام تقنینی را با آسیب‌هایی مواجه کند که به موجب آن امکان ناهمگونی ساختاری و وجود تعارض در نسخ متعدد قانونی را افزایش می‌دهد، مضافاً بر اینکه تکرار مراجع قانون‌گذاری در زمینه تعیین صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح اعم از مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مقام رهبری هم مزید بر این امر تلقی می‌شود که به نوبه خود عوارضی را به دنبال خواهد داشت.

لکن از آنجایی که صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در اصل ۱۷۲ قانون اساسی مصرح گشته و در قوانین و مقررات عادی نیز امکان مغایرت با قانون اساسی وجود ندارد، قاعدتاً نظام قانون‌گذاری کشور چندان نمی‌تواند تأمین‌کننده این مطلوب تلقی گردد، مگر آنکه از طریق فرآیند اصلاح قانون اساسی، این اصل به نحو دیگری تغییر یابد تا قانون‌گذار عادی بتواند مطابق اصل تمرکزگرایی در جریان توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح اقدام نماید که البته امری بسیار طولانی و حائز مشقت خواهد بود. مع‌هذا، در مواردی که با دلایل علمی و منطقی، توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح ضروری می‌نماید، عملاً انجام آن توسط قانون‌گذار عادی ممکن نیست، لذا اجازه‌نامه‌های صادره از سوی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در راستای اختیارات حاصله از اصل ۱۱۰ قانون اساسی به‌عنوان راه‌حل میانی برای پرکردن خلأهای تقنینی در زمینه توسعه صلاحیت سازمان مزبور به خوبی کارگشا تلقی می‌گردد.

۳-۱-۱- جایگاه اجازه‌نامه مقام رهبری در توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح

شورای نگهبان قانون اساسی پس از ارسال طرح آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی به آن شورا، ایراداتی را طی ۳۳ بند در ارتباط با تعارض برخی مواد آن با

ترتیب در حوزه شکلی و ماهوی قانون‌گذاری در قبال توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح عهده‌دار این امر هستند که در دو گفتار مجزا به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱- اصل تمرکزگرایی

یک از مؤلفه‌های صورت‌بندی قوانین مبتنی بر اصول شکلی و یا تشریفاتی، انحصار قانون‌نویسی در یک مرجع واحد به‌منظور برقراری هماهنگی با دیگر سازوکارهای مقررات سابق بوده که این امر، طی چند دهه تجربه قانون‌گذاری قبلی نیز به اثبات رسیده است (حبیب‌نژاد و عامری، ۱۳۹۸: ۲۴۳). در واقع تمرکزگرایی به‌عنوان یک سنج‌های برای تشخیص کیفیت قوانین در پرتو نظریه «حاکمیت قانون»^۱ در نظام حقوقی به حساب می‌آید تا متناظر آن، حقوق تابعین آن قانون به خوبی تضمین گردد. در مقابل، قانون‌گذاری پراکنده به‌عنوان یکی از آسیب‌های شایع نظام تقنینی شمرده می‌شود که کلیت و سازگاری نظام حقوقی را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌کند (مرکزالمیری و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۸-۱۵۷). در واقع لزوم تمرکز در قانون‌گذاری مبتنی بر تلازم میان حاکمیت مطلوب قانون و شاخصه وضوح و آگاهی همه از آن قانون حاصل می‌آید تا به این سبب از ایراد لطمه به امنیت حقوقی شهروندان علی‌الخصوص تابعین قانون مورد نظر اجتناب شود (مرکزالمیری، ۱۳۹۴: ۱۰۳). بنابراین وضع قوانین و مقررات در یک نظام حقوقی مطلوب بایستی به‌گونه‌ای باشد که یگانه مرجع قانون‌گذاری به‌صورت هماهنگ با سایر اجزای آن نظام به یک‌باره مبادرت به قانون‌نویسی نماید تا با آسیب تورم قوانین و آثار سوء آن مواجه نگردد.

اصولاً در حوزه قانون‌گذاری نسبت به صلاحیت مراجع استثنائی نظیر سازمان قضایی نیروهای مسلح لازم است که صرفاً در همان قانونی که پیش‌بینی‌کننده تشکیل یک مرجع قضایی به حساب می‌آید، مصادیق صلاحیت ذاتی یا اضافی آن نیز تعیین گردد (شمس، ۱۳۹۴: ۶۸/۱)، لذا توسعه صلاحیت دادگاه‌های اختصاصی بایستی از طریق اصلاح قانون تشکیل آن نوع از دادگاه‌ها انجام یابد تا از این طریق علاوه بر ایجاد مزایایی، چون آگاهی جامع شهروندان از قوانین بتوان هماهنگی بیشتری را با ویژگی‌های ملحوظ نظر مقنن برای تأسیس مرجع قضایی موصوف تحصیل نمود. از این رو باید اصل را بر این مبنا

^۱ - Rule of Law

قابل حل نبوده، اقدام به توسعه صلاحیت‌های رسیدگی این سازمان کرده است.

۳-۱-۲- جایگاه تبصره ۱ ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری در راستای اصل تمرکزگرایی

قطع نظر از اینکه توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح به استناد اجازه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیازمند تقریر آن در قانون عادی نیست و به‌صرف صدور اجازه و تنفیذ از سوی ایشان، مصادیق صلاحیت اضافی در سازمان مزبور عینیت پیدا می‌کند، لذا وضع تبصره ۱ ذیل ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی را نمی‌توان دال بر تأیید توسعه صلاحیت دادگاه‌های نظامی از مجرای فرمان مقام رهبری تلقی کرد (درستکاری و احدی، ۱۳۹۴: ۲۸)، بلکه به‌نظر می‌رسد این مقرر، فقط در راستای تمرکز در قانون‌گذاری نسبت به صلاحیت‌های ذاتی و اضافی سازمان قضایی نیروهای مسلح و جامعیت در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نگارش گردیده که دغدغه دسترسی مردم به قوانین و مقررات را تا حد زیادی مرتفع کرده است. مؤید این امر آن است که مفاد این تبصره پس از ارسال طرح آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی به شورای نگهبان در جهت تأمین این ایراد بر طرح مزبور که: «بدیهی است در خصوص صلاحیت محاکم سازمان قضایی نیروهای مسلح، در مواردی که امام علیه‌الرحمه و مقام معظم رهبری مدظله‌العالی اجازه فرموده‌اند، مادامی که از آن عدول نشده، کماکان به قوت خود باقی است» در اصلاحیه مجلس شورای اسلامی بر ماده مزبور اضافه گشت و سپس به تأیید شورای نگهبان رسید، هرچند که ممکن است این ایراد بر قانون‌گذار گرفته شود که علی‌رغم ایجاد صلاحیت اضافی به‌موجب قانون تعیین صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی مصوب ۱۳۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، اما اشاره‌ای به این قانون در ماده مزبور نشده است، البته در مقابل می‌توان بانوجه به اینکه قانون مزبور در اجرای بند هشتم اصل ۱۱۰ قانون اساسی در جلسه مورخ ۱۳۷۳/۰۵/۰۶ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است. از آنجایی که این اصل از قانون اساسی در مقام بیان اختیارات رهبری عنوان گردیده، لذا شمول تبصره ۱ ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب

اصول قانون اساسی عنوان کرد که ازجمله آن‌ها می‌توان از ایراد مغایرت مصادیق صلاحیت دادگاه‌های نظامی در ماده ۲۸ طرح مزبور با اصل ۱۷۲ قانون اساسی یاد کرد.^۱ به‌این ترتیب که شورای نگهبان صراحتاً در نظریه شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۰۷ از ۲۲ مورد مغایرت با اصل ۱۷۲ قانون اساسی از آن جهت که شامل جرایمی غیرمربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی می‌شود، یاد کرده که درهرصورتی اقدام مجلس شورای اسلامی را به توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح و تضییق صلاحیت محاکم عمومی دادگستری مطرود نموده است. به‌عبارت روشن‌تر، هرچند که مجلس شورای اسلامی در بندهای «ب»، «پ»، «ث» و «ج» از ماده ۲۸ از طرح آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی به مصادیق توسعه‌یافته صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح از سوی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اشاره می‌نماید، ولی شورای نگهبان تعیین این موارد را در حدود صلاحیت این سازمان، خارج از صلاحیت مجلس شورای اسلامی قرار داده است. ازاین‌رو مجلس شورای اسلامی به‌عنوان مرجع قانون‌گذاری عادی در نظام تقنینی ایران یارای مقابله با اصول قانون اساسی را ندارد و در موارد وجود دلایل علمی و منطقی برای توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، اجازه‌نامه‌های رهبری در مورد توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح این امکان را فراهم می‌نماید.

بنابراین پیش‌بینی صلاحیت‌هایی فراتر از موارد مصرح در اصل ۱۷۲ قانون اساسی برای سازمان قضایی نیروهای مسلح از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، نمونه‌ای از فرامینی است که مقام رهبری در جایگاه اعمال ولایت مطلقه فقیه به جهت ضرورت‌هایی ناگزیر به اتخاذ چنین تصمیمی گردیده‌اند. درواقع هر سه مورد توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در سال‌های ۱۳۷۰، ۱۳۷۳ و ۱۳۹۹، مصداق حکم حکومتی به حساب می‌آید که به‌منظور تأمین مصالحی به نفع کشور و در چارچوب اختیارات مصرح در اصل ۱۱۰ قانون اساسی برای حل معضلاتی که از طریق قانون‌گذاری عادی

^۱ - جهت مطالعه بیشتر به پایگاه رسمی اینترنتی پژوهشکده شورای نگهبان به نشانی: nazarat.shora-rc.ir مراجعه شود.

^۲ - بند ۳۳ از نظریه شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۰۷.

نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران با نظام دادرسی اتهامی نیز دلیل دیگری برای رعایت اصل ضرورت در توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح به حساب می‌آید، زیرا «ترافی بودن رسیدگی و استفاده از قضات غیرحرفه‌ای» و «تساوی اشخاص در برابر دادگاه‌ها»، از جمله ویژگی‌های این نظام به‌شمار می‌آید (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۵۱/۱-۵۰) که علاوه بر دلالت به مخالفت در تشکیل دادگاه‌های اختصاصی از توسعه بی‌ضابطه صلاحیت آن‌ها نیز ممانعت به‌عمل می‌آورد. از طرفی، شایسته است به‌منظور تحقق حاکمیت مطلوب نیز حقوق و آزادی‌های مشروع نظامیان به‌عنوان عضوی از شهروندان جامعه مورد احترام واقع گردد و به جرایم عمومی آنان برابر با سایر اعضای جامعه در دادگاه‌های عمومی رسیدگی شود، مگر مواردی را که مصلحت عمومی کشور اقتضای غیر آن را نماید. همچنین از آن جهت که برخی از اصول و تشریفات دادرسی عادی مراعاتاً در دادگاه‌های عمومی کیفری در دادگاه‌های نظامی رعایت نمی‌شود (همانند نحوه مانند انتخاب وکیل مدافع) بر مبنای اصل مترقی برائت می‌توان در راستای احقاق حقوق متهم از توسعه غیرضروری صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح جلوگیری به‌عمل آورد، زیرا قلمروی اصل برائت که متضمن احترام به آزادی‌های مشروع اشخاص و تأمین‌کننده حقوق شهروندی است منحصر به دادرسی و مرحله تحقیقات مقدماتی نمی‌شود، بلکه به استناد این اصل، هر امری که توجه آن به شخص مستلزم نوعی زحمت، سلب آزادی و یا ایجاد مضیقه گردد، باید شخص را از آن مبرا نمود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۴۹). بنابراین، این اصل بر رفتار قانون‌گذار به‌هنگام تعیین صلاحیت‌های اضافی سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز حکم‌فرمایی می‌کند و مآلاً تعرض به حقوق شناخته‌شده اشخاص فقط در موارد استثنائی مجاز قلمداد می‌گردد که می‌بایستی توسط قانون‌گذار با وسواس شدید پیش‌بینی شوند (شاملو، ۱۳۸۳: ۲۷۹). بنابر اصل برائت، موارد عدول از صلاحیت عام مراجع عمومی کیفری فقط محدود به مواردی می‌گردد که ارتکاب جرم عمومی از سوی اعضای نیروهای مسلح یا موجب صدمه شدیدی به جامعه شده یا تهدید جدی علیه آن تلقی گردد و یا اینکه پیچیدگی‌های خاص جرم ارتكابی توسط غیرنظامیان، رسیدگی تخصصی به آن را در دادگاه‌های نظامی تجویز نماید. به‌سخن‌دیگر، ضرورت توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح باید به‌گونه‌ای باشد

۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی به قانون تعیین صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی نیز از نظر دور نیست، ضمن اینکه اساساً طرح و تصویب این قانون در مجمع تشخیص مصلحت نظام بنا به ارجاع مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) صورت پذیرفته است.^۱ بر فرض عدم پذیرش استدلال مذکور در بند اخیر، فرض علم و آگاهی همه شهروندان از متون و نصوص قوانین و مقررات رهنمون به عدم لزوم تصریح به‌وجود چنین قانونی جهت ترتیب اثر در حوزه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است، افزون بر اینکه مطابق نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۴/۰۷/۲۴ شورای نگهبان در رابطه با اصل ۱۱۲ قانون اساسی که حق رد، نقض و نسخ مصوبات مجلس شورای اسلامی را از کلیه مراجع قانون‌گذاری، از جمله مجلس شورای اسلامی سلب نموده است (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۱؛ فتحی، ۱۳۹۶: ۱۸۹).

۳-۲- اصل ضرورت

اتکای اصل ضرورت در توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح هم مبتنی بر ادله حقوقی و هم بر مبنای فقهی است. براساس اصل صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی در رسیدگی به کلیه جرایم، نه‌تنها تشکیل مراجع اختصاصی قضایی با موانع جدی حقوقی روبه‌رو می‌شود، بلکه در صورت تشکیل این نوع از دادگاه‌ها به‌هنگام تعیین صلاحیت آن‌ها بایستی به‌طور استثنائی عمل کرد (شمس، ۱۳۹۴: ۶۶/۱). چه اینکه محتمل است اصولی که استقلال، بی‌طرفی و حقوق دفاعی متهم در دادرسی را تضمین می‌کند، در مراجع اختصاصی نادیده گرفته شود، لذا سازمان قضایی نیروهای مسلح باید از چنان صلاحیتی برخوردار باشد که فقط اقدام به رسیدگی قضایی در قبال جرایم نظامی نماید، مگر اینکه ضرورت ایجاب نماید که صلاحیت دادگاه عمومی کیفری مضیق گردد. انطباق

^۱ - رئیس وقت قوه قضاییه در تاریخ ۱۳۷۱/۰۸/۲۵ طی نامه شماره ۴۰۴۱/۷۱/م از مقام معظم رهبری درخواست می‌کنند که به جرایم نیروهای مسلح که در صلاحیت سایر دادرسی‌ها می‌باشد، در دادرسی‌های نظامی رسیدگی شود و این قبیل پرونده‌ها به‌خاطر بعضی از صلاحیت‌ها به دادرسی‌های نظامی تحویل شود که معظم‌له در پاسخ مقرر می‌دارند: «بهتر است در مجمع تشخیص مصلحت مطرح و تصمیم‌گیری شود. انشاءالله سعی شود سریع و مطابق نیاز و صلاح نیروهای مسلح اقدام شود.» پیرو دستور مقام معظم رهبری، موضوع در ستاد کل نیروهای مسلح بررسی و در نهایت طرح «حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی و ضرورت‌های موجود» در ۹ بند توسط این ستاد تهیه و به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌شود.

موجب اجازه‌نامه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (حفظه ...) پرداخته می‌شود، هرچند که ممکن است ضرورت‌های دیگری را نیز بتوان برای توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظر گرفت، لیکن ضرورت‌های کلان این امر در این دو مورد ذیل قابل در نظر گرفتن است.

۳-۱-۱-۲- ضرورت حفظ اسرار و اطلاعات

وزیر وقت اطلاعات در تاریخ ۱۳۶۶/۰۹/۲۰ به لحاظ ضرورت حفظ اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی‌شده نظام جمهوری اسلامی ایران از محضر امام خمینی (ره) تقاضا می‌نماید که به جرایم کارکنان وزارت اطلاعات در دو مورد اخیر در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود که در نهایت مورد موافقت امام (رض) قرار گرفت. در سال ۱۳۷۰ نیز مجدداً رئیس وقت قوه قضاییه (طی نامه شماره ۱۳۷/۴۵/۷۰ م مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۰۹) در خصوص صلاحیت دادگاه‌های نظامی در رسیدگی به جرایم مزبور از محضر مقام معظم رهبری (حفظه...) کسب تکلیف نمودند که معظم‌له در پاسخ مرقوم داشتند که: «در مورد مذکور، بخشنامه رییس وقت دیوان عالی کشور به‌خاطر حفظ اطلاعات همچنان لازم است در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود»، به این سبب، ضرورت توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح نسبت به جرایم مزبور از چنان وضوحی برخوردار بوده است که این ضرورت در فاصله سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۷۰ ساقط نگردیده است.

به موجب نامه شماره ۴۲۹۹/۷۳ م مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۰ از سوی رییس قوه قضاییه پس از استجازه از مقام معظم رهبری، اجازه رسیدگی به کلیه جرایم امنیتی پرسنل نیروهای مسلح به سازمان قضایی نیروهای مسلح ابلاغ گردید و براساس بندهای اول، دوم و سوم از اجازه‌نامه دفتر معظم‌له به شماره ۱/۱۳۷۵۲ م مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ صلاحیت‌های رسیدگی سازمان قضایی نیروهای مسلح در مورد رسیدگی به «کلیه جرایم امنیتی مرتبط با خدمت برای نیروهای مسلح، از ناحیه کارکنان قراردادی و یا کسانی که به‌طور موقت در خدمت نیروهای مسلح، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های وابسته که مشمول مقررات نیروهای مسلح نیستند»، «جرایم مرتبط با اطلاعات طبقه‌بندی‌شده نیروهای مسلح، از ناحیه اشخاصی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم نسبت به تأمین تجهیزات و تسلیحات نیروهای مسلح همکاری دارند» و «جرایم امنیتی کارکنان نیروهای

که این امر به‌عنوان آخرین ابزار مقابله با جرایم موردنظر محسوب گردد و دیگر هیچ مسیر موازی به‌منظور مبارزه با این دسته از جرایم وجود نداشته باشد.

اصل ضرورت، تعیین صلاحیت‌های اضافی سازمان قضایی نیروهای مسلح را مطابق با هنجارها و ارزش‌های حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ممکن می‌سازد و از دخالت امور سیاسی و تأثیر مستقیم انگیزه و خواسته‌های مقنن در این مهم جلوگیری به‌عمل می‌آورد. از این‌رو نقش اصل ضرورت در وضع قوانین و مقررات توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح به‌مانند معیاری است که از یک طرف با جلوگیری از توسعه بی‌ضابطه صلاحیت‌های اضافی سازمان قضایی نیروهای مسلح موجب حفظ شاکله وجودی و تأمین فلسفه تأسیس این سازمان می‌گردد. از طرف دیگر، لحاظ ضرورت‌ها در تعیین صلاحیت‌های اضافی برای سازمان قضایی نیروهای مسلح نه تنها باعث برانگیختن تحسین اندیشمندان علوم مختلف حقوق، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و ... می‌شود، بلکه حل بسیاری از مسائل اساسی کشور را حاصل می‌آورد. بنابراین جرم موردنظر جهت توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح باید هماهنگی به خصوصی با جرایم نظامی داشته باشد تا در سازمان قضایی نیروهای مسلح مورد رسیدگی واقع شود. اصل ضرورت در قبال محدودیت‌های توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح براساس نیازهای ضروری نظام حقوقی کشور مهم‌ترین معیار و ملاک برای سنجش و روایی افزایش صلاحیت‌های اضافی سازمان مزبور به حساب می‌آید.

۳-۱-۲- ضرورت‌های توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح

وضع قوانین و مقررات در رابطه با توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح باید از چنان اعتباری برخوردار باشد که با واقعیت‌های جامعه و نیازهای سطح آن تطابق داشته باشد. ضرورت توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح باید به‌گونه‌ای باشد که این امر به‌عنوان آخرین ابزار مقابله با جرایم موردنظر برای توسعه محسوب گردد و دیگر هیچ مسیر موازی به‌منظور مبارزه با این دسته از جرایم به غیر از عدول از اصل صلاحیت عام مرجع عمومی دادگستری وجود نداشته باشد. در این گفتار از پژوهش حاضر به ضرورت‌های ملحوظ نظر در مصادیق توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح به

حفظ گردد و از طرفی دیگر، دادرسی و کیفر بزه‌کاری موضوع صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح همراه با تخصص، قاطعیت لازم و سرعت باشد.

نتیجه‌گیری

صلاحیت ذاتی سازمان قضایی نیروهای مسلح به‌موجب اصل ۱۷۲ قانون اساسی، ماده ۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و ماده ۵۹۷ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی منحصر و محدود به جرایم برخلاف تکالیف و مسؤولیت‌های خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح است، لکن مصالح و ضرورت‌هایی گاه اقتضای این را دارد که در تعیین صلاحیت‌های اضافی سازمان قضایی نیروهای مسلح از لزوم نظامی‌بودن جرایم و اشخاص موضوع صلاحیت این سازمان عدول گردد.

وضع قوانین و مقررات کارآمد و مؤثر در حوزه توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح مستلزم رعایت اصولی است که به‌موجب آن موازین دادرسی منصفانه در تحقق عدالت شکلی در کنار تضمین حقوق مسلم اصحاب دعوا در دادرسی نظامی تحصیل گردد. به‌منظور احتراز از هرگونه ایراد به نظام قضایی رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح لازم است بنا به اصل صلاحیت عام دادگستری عمومی در رسیدگی به تمامی جرایم از توسعه بی‌ضابطه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح اجتناب کرد (آقای جنت‌مکان، ۱۳۹۶: ۴۷). همچنان‌که اقدام به توسعه مصادیق صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح بدون در نظر گرفتن اصول و قواعد حقوقی حاکم بر تعیین صلاحیت این سازمان، عوارض و تبعات سیاسی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی ناگواری را در پی می‌آورد تا جایی که یکی از دلایل چالش تراکم موجودی پرونده‌ها و تورم ورودی آن‌ها به دادسراها و دادگاه‌های نظامی همین توسعه صلاحیت برشمرده شده است که تبعاً معضلاتی چون اطلاع دادرسی را گریبان‌گیر این دسته از مراجع قضایی می‌نماید (خورشیدی اطهر، ۱۳۹۹: ۴۷).

از این‌رو تعیین صلاحیت‌های سازمان قضایی نیروهای مسلح بایستی منطبق با الگوی خاص قانون‌گذاری در دو زمینه شکلی و محتوایی صورت پذیرد. اصل تمرکزگرایی، صورت‌بندی قوانین و مقررات مربوط به توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح را در شاکله قانون‌گذاری مبتنی بر انحصار

مسلح، مرتبط با زمان اشتغال تا پنج‌سال پس از پایان خدمت» توسعه یافته است که ضرورت حفظ و صیانت از اسرار و اطلاعات نظامی کشور در اشتراک با اقتضای تأسیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و رسیدگی به موقع و مؤثر آن در قبال جرایم مذکور به‌وضوح دلالت بر وجاهت توسعه این موارد می‌نماید.

۳-۲-۱-۲- ضرورت دفاع از حیات نظامی کشور

در نامه شماره ۴۲۹۹/۷۳/م مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۰ رییس قوه قضاییه، تجویز مقام معظم رهبری جهت رسیدگی سازمان قضایی نیروهای مسلح به جرایم حین خدمت پرسنل نیروهای مسلح درج گردید و براساس بندهای چهارم و پنجم از اجازه‌نامه دفتر معظم‌له به شماره ۱/۱۳۷۵۲/م مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ صلاحیت‌های رسیدگی سازمان قضایی نیروهای مسلح در مورد رسیدگی به «کلیه جرایم مرتبط با سلاح و مهمات توسط کارکنان شاغل در نیروهای مسلح» و «جرایم مرتبط با انجام وظایف خاص حفاظتی و انتظامی کارکنان یگان‌های حفاظت دستگاه‌های اجرایی» توسعه پیدا کرده است. آنچه که در توجیه این مصادیق قابل بیان است، ضرورت حفظ حیات نظامی کشور بوده که مقنن را ناگزیر از توسعه آن در صلاحیت سازمان مزبور کرده است تا به‌موقع و مؤثر از خدشه وارده بر پیکره منسجم نظامی دفاع لازم صورت پذیرد. افزون بر اینکه تأثیرات سوء به‌وقوع پیوستن جرایم از سوی نیروهای مسلح یا اشخاصی که در حکم نیروهای مسلح قلمداد می‌شوند، راتب بیشتر از ارتکاب همین جرایم از سوی اشخاص غیرشاغل در نیروهای مسلح است. با اعمال صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح جهت رسیدگی به جرایم مزبور ضرورت‌هایی چون رسیدگی قاطع، تخصصی و سریع نیز نسبت به بزه‌هایی که حیات نظامی کشور را دچار رخنه می‌کند، به‌طور مناسبی تأمین می‌گردد، ضمن اینکه اقتدار نیروهای مسلح هم مورد صیانت قرار می‌گیرد، چراکه تحکیم نظم و انضباط در میان نیروهای مسلح و یا اشخاصی که در حکم نظامیان قلمداد می‌شوند، یکی از مبانی تشکیل سازمان قضایی نیروهای مسلح محسوب می‌شود و با توسعه صلاحیت این سازمان در قبال جرایمی از این دسته، تباینی با فلسفه تأسیس محاکم نظامی قابل برداشت نیست. از این‌رو ضرورت دفاع از حیات نظامی به‌نحو کلی تأمین‌کننده ضرورت‌های دیگر نیز محسوب شده تا از یک طرف جایگاه نظامیان و اشخاص در حکم نظامی در ساختار حاکمیت کشور

یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارم.

سهم نویسندگان: نگارش این مقاله براساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

تضاد منافع: این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ

- احمدی، علی (۱۳۸۳). مجمع تشخیص مصلحت نظام. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی. چاپ بیست‌وهشتم، تهران: نشر میزان.

- اسکندری، محمدرضا (۱۳۸۱). «سیر تحول صلاحیت محاکم نظامی از سال ۱۳۱۸ تا سال ۱۳۷۳ در ایران». مجله دادرسی، ۶(۳۱).

- الهام، غلامحسین (۱۳۸۹). حقوق جزای نظامی. چاپ چهارم، تهران: نشر دادگستر.

- آخوندی، محمود (۱۳۸۹). آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات مجد.

- آشوری، محمد (۱۳۸۴). آیین دادرسی کیفری. تهران: سمت.

- آشوری، محمد (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری با آخرین اصلاحات تا سال ۱۳۹۵. تهران: سمت.

- آقایی جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۶). حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه (دادگرانه). چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.

- بهزادی، سیاوش (۱۳۴۹). بررسی قانون دادرسی و کیفر ارتش. چاپ دوم، تهران: انتشارات مهنامه قضایی.

- بیگزاده، صفر (۱۳۸۷). شیوه‌نامه نگارش قانون. چاپ سوم، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- یاد، ابراهیم (۱۳۵۳). حقوق کیفری اختصاصی. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۳). اظهارنظر مجمع مشورتی حقوقی در خصوص طرح آئین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی. کد گزارش: ۹۳۰۳۰۰۸،

می‌کند. این امر ضمن برقراری هماهنگی با سازوکارهای مربوط به تشکیل سازمان مزبور باتوجه به سابقه تاریخی در این‌باره از برداشت‌های بدبینانه و گاه خصمانه شهروندان می‌کاهد. نظر به اینکه مصادیق توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح پس از انقلاب اسلامی از ناحیه مدیریت واحدی، یعنی مقام رهبری تحقق پیدا کرده، حلقه ناهمگونی در این امر متأثر از گرایش‌ها و اغراض سیاسی مفقود بوده و از سنخیت قابل قبولی در تطابق با نظام حقوقی حاکم بر کشور برخوردار است.

اصل ضرورت به عنوان اصل ناظر بر بخش ماهوی توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، ناگزیر بودن توسعه صلاحیت این سازمان و تضییق صلاحیت مرجع عمومی دادگستری را مستنتج می‌سازد، به گونه‌ای که توسعه صلاحیت دادگاه‌های نظامی به عنوان آخرین حربه مقنن به منظور دستیابی به عدالت کیفری محسوب گردد. این اصل، مانع جدی توسعه بی‌ضابطه صلاحیت دادگاه‌های نظامی به حساب می‌آید و از وضع صلاحیت‌هایی اضافه که با ماهیت این سازمان قابل جمع نباشد، جلوگیری به عمل می‌آورد، زیرا نتیجه آن، نادیده گرفتن اصول قانون اساسی و هنجارهای دادرسی عادلانه و منصفانه خواهد بود. به سخن دیگر، وضع قوانین و مقررات در رابطه با توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح باید از چنان اعتباری برخوردار باشد که با واقعیت‌های جامعه و نیازهای آن تطابق داشته باشد و از تأثیر فراوانی در بهبود ناهنجاری‌ها برخوردار باشد. حفظ اسرار و اطلاعات و دفاع از حیات نظامی کشور، دو ضرورت کلی هستند که می‌توان به موجب آن، توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح را توجیه نمود و اصل صلاحیت عام مراجع عمومی کیفری را تخصیص زد. بنابر اصل ضرورت، توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح را فقط در حالت ضرورت موجه می‌داند و اصل تمرکزگرایی، مانع از استفاده نادرست از ظرفیت دادرسی در جرایم نظامی نسبت به سایر جرایم به حساب می‌آید. رسالت و فلسفه سازمان قضایی نیروهای مسلح در طی رسیدگی به جرایم غیرنظامی هنگامی نمود پیدا می‌کند که این دو اصل در وضع آن رعایت شده باشد.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر: از تمام کسانی که بنده را در تهیه این مقاله

- تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- پیکا، ژرژ (۱۳۹۰). *جرم شناسی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- تدین، عباس (۱۳۹۴). *قانون آیین دادرسی کیفری نیروهای مسلح ایران و فرانسه*. چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- جعفری لنگرودی، محمد (۱۳۷۲). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ ششم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حبیب‌نژاد، سیداحمد و عامری، زهرا (۱۳۹۸). «قانون‌نویسی در نظام تقنینی ایران در پرتو مدل‌های پیش‌نویس‌نگاری تقنینی». *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۲۷(۱۰۲).
- خالقی، علی (۱۳۹۶). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ سی‌وچهارم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- خورشیدی اطهر، محمد (۱۳۹۹). «نگرشی بر مدیریت کلان تراکم موجودی و تورم ورودی پرونده‌ها در دادگستری». *مجموعه مقالات ششمین همایش ملی چالش‌های مدیریت قضایی و دادرسی در قوه قضاییه*، میبد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- درستکاری، علیرضا و احدی، فاطمه (۱۳۹۴). «توسعه صلاحیت دادگاه‌های نظامی در قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح ۱». *منتشرشده در همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد*.
- رضوی، محمد (۱۳۸۶). *حقوق کیفری نیروهای مسلح*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- زراعت، عباس (۱۳۸۴). «تفکیک جرم نظامی و عادی و اثر آن در صلاحیت مرجع قضایی». *ماهنامه دادرسی*، ۵۱.
- شاملو، باقر (۱۳۸۳). «اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی مندرج در علوم جنائی». *مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری*، چاپ اول، تهران: سمت.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۴). *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*. چاپ سی‌وسوم، تهران: انتشارات دراک.
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۶). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
- عبدالهی، اسماعیل؛ میرزایی، احمد و محمدی‌تبار، علی (۱۳۹۸). «بررسی صلاحیت ذاتی دادسرا و دادگاه‌های نظامی در قانون آیین دادرسی کیفری جدید». *فصلنامه دانش انتظامی بو شهر*، ۱۱(۴۱).
- عطارنیا، حامد؛ گلدوست جویباری، رجب و اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۶). «تحلیل و نقد افتراقی بودن دادرسی نظامی». *مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ۱۰(۳۷).
- فاستر، مایکل برسفورد (۱۳۹۴). *خداوندان اندیشه سیاسی*، چاپ نهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فتحی، محمد (۱۳۹۶). *اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (اصل یکصد و هفتاد دوم)*. تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان.
- کوثری‌فر، محمداصادق (۱۳۹۴). *حقوق شهروندی نظامیان در جمهوری اسلامی ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
- گلدوست جویباری، رجب (۱۳۹۳). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
- لواسایی، محمود (۱۳۴۳). «صلاحیت دادگاه‌های نظامی از نظر دیوان عالی کشور». *مجله کانون وکلاء*، ۹۱.
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۹۱). *کلیات حقوق اساسی*. چاپ بیست‌وسوم، تهران: انتشارات پایدار.
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۰). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ دوم، تهران: انتشارات پایدار.
- مرکز‌المیری، احمد (۱۳۹۴). *حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها*. چاپ دوم، تهران: مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی.
- مرکز‌المیری، احمد و مهدی‌زاده، مهدی (۱۳۹۴). «قانون‌گذاری پراکنده در نظام تقنینی ایران». *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۱۷(۴۷).
- معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۹۰). *مجموعه قوانین جرایم و دادرسی نیروهای مسلح*، چاپ اول. تهران: معاونت

تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات.

- منتسکیو، شارل لوئی دوسکوندن (۱۳۸۴). *روح القوانين*. ترجمه علی‌اکبر مهتدی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- هرمزی، خیراله (۱۳۹۳). «توسعه صلاحیت یا صلاحیت تبعی». *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، ۲(۶).



Volume 4, Issue 1, 2023

Do's and Don'ts of Developing the Jurisdiction of the Judiciary of the Armed Forces

Mohammad Khorshidi Athar¹

1. Master of Criminal Law and Criminology, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 13-25

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: 000000000000

Email: khorshidi.athar@hotmail.com

Article history:

Received: 26 Oct 2022

Revised: 12 Dec 2022

Accepted: 04 Jan 2023

Published online: 21 Mar 2023

Keywords:

Legislation, Jurisdiction, Judicial Organization of the Armed Forces, Military Crime, Necessity.

ABSTRACT

Competence of the Judicial Organization of the Armed Forces in accordance with Article (172) of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, Article (1) of the Penal Code of the Armed Forces adopted in an Article (597) of the Code of Criminal Procedure adopted in limited to crimes related to special military duties. But, based on the necessity of some interests, the competence of the judiciary of the armed forces has developed. The dominance of the two principles of centralism and the necessity of the provisions governing the development of the jurisdiction of the judiciary of the armed forces necessitates. in the field of legislation regarding the competence of the judiciary, it is necessary to expand the competence of the Armed Forces in the same law that provided for the establishment of that authority. Therefore, the most important requirement for the development of the jurisdiction of the Judiciary of the Armed Forces is the necessity of restricting the jurisdiction of the general authorities of the judiciary. The present analytical research uses the method of studying documents and library resources to explain this issue. Based on these two principles governing the legislative system for the development of the jurisdiction of the judiciary in the intersection between security and libertarianism, the norms of a fair and just trial are guaranteed so that criminal justice is not violated.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Khorshidi Athar, M (2023). "Do's and Don'ts of Developing the Jurisdiction of the Judiciary of the Armed Forces". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 4(1): 13-25.